

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 8, Autumn 2021, 211-225
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.29971.1765

A Critique on the Book ***Pre-Islamic Sculpture and Iconography in Iran***

Alireza Taheri*

Samira Nasr Esfahani**

Abstract

In the prehistoric and pre-Islamic civilizations of Iran, human beings have used sculpture and iconography to express their needs and beliefs. These works show the attitude, culture, cover, religion, and progress in the life of the past in ancient Iran. These figurines included animals, humans, and even mythological and religious sculptures that were produced in each period according to the knowledge of the day with their own materials and methods. Each of these works had its own consumption and special application according to human needs at the same time and the changes in attitude, religion, beliefs, and daily life of the time made the figurines with different coverings, arrangements, decorations, exaggerations, and accents. The Iconography of pre-Islamic woman in Iran is a translation of two articles by *Aurelie Daems*, a Belgian researcher and archaeologist, published by Ali Akbar Vahdati in 2009. However, this book provides very useful and valuable information to researchers and archaeologists, but like any other scientific work, it has its drawbacks.

Keywords: Aurelie Daems, Sculpture, Figurine, Iconography, Iran.

*-Professor in Arts and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran,
artaheri@arts.usb.ac.ir

** MA in Art Research, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran (Corresponding Author),
Nasr_samira_ss@yahoo.com

Date received: 27/04/2021, Date of acceptance: 20/09/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقدی بر کتاب تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام

علی‌رضا طاهری*

سمیرا نصر اصفهانی**

چکیده

در تمدن‌های پیش از تاریخ و پیش از اسلام در ایران، بشر برای بیان نیازها و اعتقادات خود از ساخت پیکره و شمایل‌نگاری بهره برده است. این آثار باقی‌مانده نشان از نگرش، فرهنگ، پوشش، مذهب، و پیشرفت در حیات اعصار گذشته در ایران باستان دارند. این پیکرها شامل حیوانات، انسان‌ها، و حتی مجسمه‌های اساطیری و مذهبی بوده‌اند که در هر دوره‌ای باتوجه به دانش روز آن عصر با مواد، مصالح، و شیوه‌های خاص خود تولید شده‌اند. هرکدام از این آثار مصرف و کاربرد ویژه خود را، باتوجه به نیاز بشر در همان دوران، داشتند و تغییرات در نگرش، مذهب، عقیده، و زندگی روزمره آن زمان باعث می‌شد پیکرها با پوشش، آرایش، تزئینات، اغراق‌ها، و تأکیدات متفاوت ساخته شوند. کتاب تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام ترجمه‌ای از دو مقاله اورلی دیمز، پژوهش‌گر و باستان‌شناس بلژیکی، است که علی‌اکبر وحدتی آن را در سال ۱۳۸۸ ترجمه و نشر ماهی آن را چاپ و منتشر کرده است. هرچند کتاب مذکور اطلاعات بسیار مفید و ارزش‌مندی را در اختیار پژوهش‌گران و باستان‌شناسان قرار می‌دهد، همانند هر اثر

* استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، artaheri@arts.usb.ac.ir

** کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

(نویسنده مسئول)، Nasr_samira_ss@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مکتوب علمی دیگر کاستی‌هایی را شامل می‌شود. لذا مترجم کتاب می‌تواند در صورت صلاح دید پیش‌نهادها و تغییراتی را که در متن به آن اشاره می‌شود مورد توجه قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: اورلی دیمز، تندیس‌گری، شمایل‌نگاری، پیکرک، ایران.

۱. مقدمه

کتاب تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام مجموع دو مقاله اورلی دیمز، پژوهش‌گر و باستان‌شناس بلژیکی، است که در دانشگاه گنت بلژیک به زبان انگلیسی ارائه شده است. وی در این کتاب اطلاعات ارزش‌مندی را در خصوص تندیس‌گری و پیکرک‌سازی در اختیار پژوهش‌گران و باستان‌شناسان قرار می‌دهد.

پیکرک‌سازی در میان جوامع انسانی به پایان دوره فراپارینه‌سنگی و آغاز نوسنگی، نزدیک به ده هزار سال پیش، هم‌زمان با گرم‌شدن آب‌وهوا و دگرگونی در شیوه زندگی اجتماعات انسانی و گزینش شیوه یک‌جانشینی به جای کوچ‌روی بازمی‌گردد. از آن زمان به بعد، گونه‌های ناهم‌سان پیکرک میان بقایای فرهنگی انسان‌ها پدیدار می‌شوند (شیرازی و دیگران ۱۳۹۳: ۶۶).

«اولین سفالینه‌های ابتدایی ساده، بدون نقش، و پوک بودند و با گلی که خوب ورز داده نشده، با مواد آلی و کاه خرد شده، و با سنگ مخلوط شده و در آفتاب یا اجاق نیم‌پخته شده بودند» (جام تیر و دیگران ۱۳۸۹: ۳۰). تندیس‌های دوران پیش از تاریخ و تاریخی عموماً به چند دسته تقسیم می‌شوند:

بیش‌ترین آن‌ها که همه از نخستین تندیس‌های انسانی است زنی معمولاً برهنه را مجسم می‌سازند که اگر هم برهنه نباشد، اندام‌های مادینگی‌اش با تأکیداتی بیش‌و کم نشان داده شده است و گوناگونی حالات و وضع اندامشان از تعداد انگشت‌شماری الگوی معین پیروی می‌کند. زمانی پس از آن، هیكل‌های مردانه در منظر و احتمالاً محتوایی متنوع‌تر و به‌وضوح در شماری محدودتر اضافه می‌شود. تعداد زیادی مجسمه جانوران شامل چهارپایان و پرندگان در لایه‌های متعلق به زمان‌های دیرینه‌تر به‌دست آمده است (پوپ و اکرم ۱۳۸۷: ۲۴۷).

پیکرک‌هایی که شبیه به گونه‌های جانوری و انسانی‌اند به دو صورت تجریدی و واقع‌گرایانه ساخته شده‌اند.

برخی از انسان‌شناسان معتقدند که، در دوره‌های کهن، جامعه ابتدایی زیر سلطه زنان بوده است و «مادرتباری» بازمانده آن دوران، یعنی «مادرسالاری»، است. تغییر ساختار «مادمرکز» جوامع پیش از تاریخ اغلب به سبب یورش بیابان‌گردان «پدمرکز» بوده است، اما نشانه‌هایی از آن دوران هنوز در کلام باقی است، چنان‌که از زبان مادری و مام میهن سخن گفته می‌شود. این نظام در میان جوامعی که دیرتر یا به دوران تاریخی نهاده‌اند هم قابل‌پی‌گیری است (طاهری و طاووسی ۱۳۸۶: ۴۱). در هر دوره، سبک و تکنیک ساخت پیکرک‌ها تغییر می‌کند و با کشف مواد مختلف و پیشرفت زندگی بشر پیکرک‌ها به جز گل، سنگ، استخوان، و عاج از فلز و گچ ساخته می‌شدند.

«نظیر چنین پیکره‌هایی تقریباً در همه سایت‌ها در سراسر فلات ایران یافت شده‌اند. در منطقه خزر، در غار هوتو، در لایه‌های میان‌سنگی، علاوه بر ابزارهای چخماقی، مخروط‌های گلی کوچکی به دست آمده که احتمالاً پیکره زن بودند» (خانی ۱۳۸۰: ۹۷). با ورود انسان به دوره نوسنگی، اولین پیکرک‌ها از دوره نوسنگی در ایران به وجود می‌آید (مرتضوی و سلیمانی ۱۳۹۰: ۲۷۱) که از آسیاب، تپه سراب، گنج‌دره، تپه علی‌کش، چغاسفید، و حاجی‌فیروز به دست آمده‌اند. در پیکرک‌ها گاهی به جای گل رس از سنگ استفاده شده است (یانگ و دیگران ۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۳۴). قدیمی‌ترین آثار به دست آمده از ایران، که در آن‌ها فرم‌ها به گونه‌ای مؤثر و شاید هم دل‌پذیر بیان یک اندیشه را آشکار می‌سازند، پیکره‌های گلینی‌اند که از حفریات یک دهکده دوران نوسنگی در تپه سراب نزدیک کرمانشاه پیدا شده‌اند. یکی از آن دو پیکره زنی، معروف به ونوس تپه سراب، و دیگری گرازی کوچک است (پرادا ۱۳۵۷: ۷).

برای مردم ابتدایی، [...] تمثال‌ها یا پیکره‌ها از آن‌روی ساخته می‌شوند که آنان را در برابر قدرت‌های دیگر، که به زعم ایشان هم‌چون نیروهای طبیعت واقعی‌اند، حفظ کنند؛ به عبارت دیگر، تصویرها و تندیس‌ها برای جادو و دفع جادو به کار می‌آیند (گامبریچ ۱۳۷۹: ۲۸).

انسان ابتدایی تصویر و مجسمه را عین واقعیت و وسیله غلبه خود بر واقعیت می‌پندارد. از همین‌رو، تصاویر و مجسمه‌های خود را دور از دست‌رس قرار می‌دهد. هنر این دوران با مقتضیات زندگی واقعی آن ادوار مستقیماً ارتباط دارد (گشایش ۱۳۸۸: ۱۲).

مردمان پیش از تاریخ، با هدف نزدیکی به سرچشمه‌های نیروی باروری (که به شکل یک ایزدبانو پنداشته می‌شد) یا برای به دست آوردن خشنودی و همکاری آنان، تندیس‌هایی

از ایزدبانوان را می‌ساختند و به نیایشگاه‌ها هدیه می‌دادند یا در کنار مردگانشان به خاک می‌سپردند. در دوران تاریخی نیز این رسم، با وجود جای‌گزینی ادیان و آداب نو، به‌گونه‌ای آراسته‌تر ادامه یافت. پیکرک‌های باروری را می‌توان نماد ایزدبانوی موردپرستش در منطقه دانست. این ایزدبانو بیش‌تر خدای زمین و آب‌هاست که با عشق، باروری، و پرباری پیوند دارد و گمان می‌رود در آیین‌های باروری زمین، دام و انسان، بلوغ، درمان‌بخشی زنان نازا، و یاری بانوان به‌هنگام زایمان نیز از آن استفاده شده است (طاهری و طاووسی ۱۳۸۹: ۴۴). هنرمند با ساخت پیکره می‌توانست داستانی خیالی با موضوعی مشخص را متصور سازد که این پیکره‌ای برای پیش‌کش به تجسمی از خداست (Hansen 1970: 13).

گستره کاربردها یا دلایل ساخت پیکرک‌ها بیش‌تر تعویذ، طلسم، ابزار روایی، تصویر اجداد، ارواح و خدایان، توکن، اشیای جادویی - کاربردی در مراسم آیینی می‌تواند باشد. با در نظر گرفتن فعالیت‌های باستان‌شناسان و کشفیات این پیکرک‌ها که در حوزه باستان‌شناسی انجام شده است می‌توان به اطلاعات مهم و اساسی از زندگی بشر اعصار گذشته ایران، که در این آثار نهفته است، دست یافت. گفتنی است که کتاب *تندیس‌گری و شمایل‌نگاری پیش از اسلام* به دلیل جمع‌آوری و تمرکز بر بخش پیکرک‌های زنانه برای پژوهش‌گران و دانشجویان باستان‌شناسی از اهمیت زیادی برخوردار است.

۲. معرفی کلی و خاستگاه اثر

کتاب *تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام* ترجمه‌ای از دو مقاله باستان‌شناس و پژوهش‌گر بلژیکی، اورلی دیمز، است. در پاورقی صفحه ۲۳ کتاب آمده که این نوشته‌ها خلاصه‌ای از پایان‌نامه کارشناسی ارشد وی است که در سال ۱۹۹۸ در دانشگاه گنت، زیر نظر پروفسور هرنیک، ارائه کرده است. مقاله اول با عنوان «The Iconography of Pre-Islamic Woman in Iran» در مجله *ایرانیکا آنتیکا* در سال ۲۰۰۱ به چاپ رسیده است. مقاله دوم در سال ۲۰۰۴ در همان مجله با عنوان «On Prehistoric Human Figurines in Iran: Current Knowledge and Some Reflections» چاپ شده است.

مترجم کتاب، علی‌اکبر وحدتی، متولد سال ۱۳۵۷ در جاجرم است که مدارک کارشناسی باستان‌شناسی از دانشگاه تهران را در سال ۱۳۸۱ و کارشناسی ارشد باستان‌شناسی را از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۴ اخذ کرده است. وی از سال ۱۳۸۰ شروع به فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی کرده است و در سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی،

و گردش‌گری خراسان شمالی از سال ۱۳۸۵ تا کنون فعالیت می‌کند. او ترجمه دو مقاله مذکور از اورلی دیمز را با عنوان *تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام* در قالب کتاب در سال ۱۳۸۸ در نشر ماهی منتشر کرده است. این کتاب در قطع رقعی و جلد شومیز با احتساب ۲۵۶ صفحه انتشار یافته است که شامل دو بخش است: بخش اول ترجمه مقاله اول، «The Iconography of Pre-Islamic Woman in Iran»، با عنوان «تندیس‌گری و شمایل‌نگاری زنان در ایران پیش از اسلام» ترجمه شده است و شامل فصول نوسنگی، مس‌سنگی، عصر مفرغ، عصر آهن، دوره هخامنشی، دوره اشکانی، و دوره ساسانی است.

مباحث بخش اول، با توجه به پیکرک‌های زنانه یافت‌شده در هر عصر، بنابه کاربرد و جایگاه اجتماعی، به مواردی چون پیکرک‌های برهنه، زنانی که روی اشیا ترسیم شده‌اند، پرستش‌گران مادینه، رقاصگان، زنان اشرافی، صحنه‌های ضیافت و مهمانی، ملکه‌ها و بانوان درباری، فعالیت‌های روزمره، صحنه‌های جنسی، مادر و بچه، خانواده، سردیس‌ها، و نیم‌تنه‌های مادینه تقسیم‌بندی شده‌اند. براساس آثاری چون پیکرک‌ها، تمثال‌ها، نقش برجسته‌ها، و نگاره‌های مادینه به نگارش، توصیف، و بررسی یافت‌شده‌ها پرداخته شده است و در مورد شیوه ساخت، نوع مواد به‌کاربرده‌شده، نوع پوشش و تزئینات، و هم‌چنین کاربرد پیکرک‌های زنانه و تغییر و روندی که بشر در هر دوره‌ای در ساخت تندیس‌ها داشته است توضیح داده می‌شود و از صفحه ۲۵ تا صفحه ۲۰۴ کتاب را به‌خود اختصاص داده است. بخش دوم ترجمه مقاله دوم، «On Prehistoric Human Figurines in Iran: Current Knowledge and Some Reflections»، با عنوان «در باب پیکرک‌های انسانی پیش از تاریخ» است و در فصل‌های نوسنگی ۱، نوسنگی ۲، نوسنگی ۳ تا مس‌سنگی ۱، و مس‌سنگی ۲ و ۳ نوشته شده است. فصول بخش دوم با توجه به مناطق و تپه‌های باستانی پیش از تاریخ ایران باستان دسته‌بندی شده‌اند و تمرکز بر پیکرک‌های زنانه‌ای است که در این محوطه‌ها یافت شده‌اند. دسته‌بندی فصول به این صورت است: نوسنگی ۱ (گنج‌دره، تپه علی‌گوش)، نوسنگی ۲ (علی‌گوش، سراب، تپه گوران)، نوسنگی ۳ تا مس‌سنگی ۱ (یانیک‌تپه، حاجی‌فیروز، زاغه، سنگ چخماق، تپه تولایی، چغاسفید، تپه سبز، چغامیش، جعفرآباد، تپه جووی)، مس‌سنگی ۲ و ۳ (دُم‌گر پرچینه، شوش، تل بکون الف، تل ابلیس، تپه یحیی). این بخش از صفحه ۲۰۴ تا صفحه ۲۵۲ است. این کتاب شامل سخن مترجم و پیش‌گفتار در اول کتاب است. در اول هر بخش مقدمه و در آخر هر بخش نتیجه‌گیری، کتاب‌شناسی

(فهرست منابع)، و تصویرها (فقط ارجاع تصاویر به صورت فهرست‌وار و ترتیب شماره تصاویر) در قسمتی جداگانه و خود تصاویر در آخر هر بخش است و در آخر کتاب نیز نمایه، که یکی از موارد مهم در هر کتاب است، قرار دارد.

۳. نقد شکلی اثر

درباره نقد این کتاب از منظر مؤلفه‌های جامعیت صوری اثر باید به سخن مترجم در پیش‌گفتار اشاره کرد که در آن نوشته است: این کتاب ترجمه مقالات اورلی دیمز، پژوهش‌گر و باستان‌شناس، بلژیکی است. تکرار و بازگ کردن مشخصات نویسنده در جملات پیش‌گفتار با جمله‌بندی‌های متفاوت برای مخاطب خسته‌کننده است. چنان‌که در صفحه اول ترجمه مقاله اول اورلی دیمز در مورد نوشته‌های خود در پاورقی توضیح داده است. در اول هر بخش مقدمه‌ای وجود دارد که در مورد اهداف هر مقاله ترجمه شده است و از امتیازات این نوشته بر شمرده می‌شود. اندازه قطع رقعی کتاب بسیار مناسب است و به راحتی خواننده می‌تواند آن را حمل کند و مورد استفاده قرار دهد. برای طراحی روی جلد کتاب تصویری از لوحه‌ای که در شوش در زمان عیلام نو با عنوان زن ریسنده به دست آمده، استفاده شده است که وضوح و کیفیت بالایی در نشان دادن جزئیات نقوش و آرایش مو و لباس را داراست. این تصویر در پشت جلد هم امتداد یافته است، اما با وجود تعداد زیادی پیکرک به دست آمده بهتر بود که برای پشت جلد از نمونه‌ای دیگر استفاده می‌شد. فونت و رنگ متفاوت برای عنوان روی جلد کتاب باعث تأکید بیش‌تری شده که از نام نویسنده و مترجم جدا شده است. بهتر بود که عنوان از نظر اندازه قلم و رنگ مشترک می‌بود، لذا نیمی از عنوان (تندیس‌گری و شمایل‌نگاری) پررنگ‌تر و بزرگ‌تر است و ادامه عنوان (در ایران پیش از اسلام) کمی کم‌رنگ‌تر و از نظر اندازه قلم کوچک‌تر است. از لحاظ بصری، انتخاب رنگ فونت عنوان با رنگ چاپ شده تصویر روی جلد هماهنگی پیدا کرده و رنگ نوشتار نام نویسنده و مترجم با رنگ پس‌زمینه جلد کتاب هماهنگ است.

از نکاتی که در فهرست مطالب وجود دارد می‌توان به فصل اول از بخش اول اشاره کرد که به صورت کلی فقط نوسنگی نوشته شده است و به قسمت‌های کوچک تقسیم نشده، در صورتی‌که در متن آمده است در عصر نوسنگی پیکرک‌ها در دو گروه پیکرک‌های برهنه و پیکرک‌های مادرانه یافت شده‌اند. پس، بهتر بود مانند دیگر فصول در فهرست مطالب تقسیم‌بندی می‌شد. در پایان متن مقاله دوم مترجم قسمت سپاس‌گزاری را که نویسنده،

اورلی دیمز، نوشته بود مکتوب کرده است که بهتر بود وی این قسمت را با توضیحی کوتاه در اول کتاب براساس فرمت نگارش کتاب می‌آورد و از قالب مقاله که سپاس‌گزاری در آخر بدنه اصلی می‌آید تبعیت نمی‌کرد.

این کتاب از لحاظ نشانه‌گذاری به ویرایش صوری نیاز دارد. کاربرد نامناسب و اضافی علائم و نیم‌فاصله‌های استفاده‌شده برای کلمات نوشتاری و نیز عدم به‌کارگیری درست دستور زبان در نوشتار جملات باعث تضاد در نوشتار عامیانه و رسمی است. برای نمونه می‌توان به جمله‌ای در صفحه ۳۷ سطر ۱۱ اشاره کرد که این‌گونه نوشته شده است: «ولی در پیکرک‌های تُرنگ تپه گرایشی وجود دارد به سمت واقع‌گرایی بیش‌تر». نمونه دیگر در صفحه ۲۸ چند پاراگراف با این شیوه، از نظر دستور زبان و به‌کارنبردن درست جای فعل، وجود دارد: «تاکنون شواهد مربوط به تولید پیکرک‌های مادینه برهنه از چهار محوطه نوسنگی به‌دست آمده است. اولین محوطه گنج‌دره است و سپس تپه سراب در کوهستان‌های زاگرس و تپه زاغه و تپه حاجی‌فیروز».

می‌توان، برای نمونه علائم نگارشی، به صفحه ۹۹ جمله آخر پاراگراف اول اشاره کرد: «مشکل این جام‌ها این است که معلوم نیست آیا تصویر روی آن‌ها یک صحنه ضیافت است یا یک صحنه رسمی اعطای منصب» (نبودن علامت سؤال در پایان جمله). کاربرد اشتباه علامت «» و حرف ربط «و» در بین کلماتی که از گروه‌های هم‌پایه‌اند یا این‌که به‌صورت نامناسب بعد از فعل‌ها و شروع جمله جدید استفاده شده‌اند. به‌عنوان مثال، در وسط صفحه‌ای این مورد دیده می‌شود:

من، نیپر - آسو، همسر اونتش - نیپیشه‌ام؛ هر آن‌کس که مجسمه مرا برآید، هر آن‌کس که آن را بشکند، هر آن‌کس که کتبه‌اش را خراب کند، هر آن‌کس که نام مرا محو کند، به نفرین نیپیشه، کیریریشه، و اینشوشینک گرفتار شود و نامش نیست و نابود شود، و اولادش عقیم شوند، و نیروهای بتیاء، الهه بزرگ، بنیانش را براندازد. این پیش‌کش نیپر - آسو است... (دیمز ۱۳۸۸: ۵۷)

بهتر بود کنار اصطلاحات باستان‌شناسی، اسامی اشخاص، و اسامی مناطق باستانی تلفظ انگلیسی‌شان هم آورده می‌شد، زیرا بدون وجود اعراب در کلمات نوشتاری خوانش آن می‌تواند متفاوت باشد. این مورد به این دلیل جزء ضعف نوشته محسوب می‌شود که فقط باستان‌شناسان مخاطب این کتاب نیستند و پژوهش‌گران میان‌رشته‌ای هم از مطالب آن بهره می‌برند. گفتنی است، با این‌که در بسیاری از موارد به تلفظ انگلیسی نیاز است، این شیوه

فقط برای چند کلمه محدود به کار رفته است (همان: ۴۳، «منزات»؛ ۷۳، «بر-اولی»؛ ۸۳، «دوکلرک»؛ ۸۴، «آنایتیس»، ۸۸، «نارونده»؛ ۸۹، «ملکه موزا»).

یکی از انتظاراتی که از مترجم وجود دارد نگارش درست تمدن عیلام است. در منابع قبلی باستان‌شناسی نگارش واژه عیلام به صورت ایلام آمده است، اما مصطلح این است که به صورت عیلام نوشته شود، زیرا ایلام نام استانی در ایران کنونی است و عیلام تمدنی پیش از تاریخ در ایران باستان بوده است. لذا بهتر بود به این تفاوت نوشتار توجه می‌شد. از امتیازات این نوشتار دیده‌نشدن غلط‌املایی یا نگارشی است و تنها موردی که وجود داشت واژه عیلام بود. کاربرد واژه پیکرک یکی از مواردی است که بسیار به چشم می‌آید. مخاطب در تمام صفحات با تکرار کلمه پیکرک روبه‌روست، در صورتی که در عنوان از واژه تندیس هم استفاده شده است.

تصاویر بخش تندیس‌گری و شمایل‌نگاری زنان در ایران باستان پیش از اسلام روی کاغذ گلاسه چاپ شده است، اما این تصاویر از نظر کیفیت، وضوح چاپ، و اندازه مناسب نیستند و به همین دلیل پیکرک‌ها با جزئیات آرایش مو، لباس و رنگشان، و نوع مواد قابل تشخیص نیستند (باین که منابع تصویری باکیفیت‌تر و مناسب‌تر موجود است). اگرچه تصاویر درون مقاله اصلی ممکن است به لحاظ کیفیت پایین باشند، از مترجم به دلیل این که خود در حوزه باستان‌شناسی فعالیت دارد انتظار می‌رفت از منابع تصویری باکیفیت‌تری استفاده کند. هم‌چنین، بهتر بود که تصویر هر پیکره در نزدیک متن می‌آمد یا در صورت محدودیت‌ها آخر هر فصل چاپ می‌شد که دسترسی آسان‌تر می‌بود و زمان تطبیق تصویر و متن برای خواننده آسان‌تر می‌شد. تصاویر بخش دوم (در باب پیکرک‌های انسانی پیش از تاریخ ایران) بر روی کاغذ معمولی چاپ شده و تصاویر به صورت آنالیز خطی در اندازه کوچک‌اند و این می‌تواند دلیل بر کم‌اهمیت‌شمردن این بخش باشد، در صورتی که عکس‌های مناسب‌تری در این مبحث در منابع تصویری موجود است که دارای کیفیت قابل چاپ‌اند. نبود زیرنویس تصاویر ضعف مهمی تلقی می‌شود و فقط آوردن ارجاع تصاویر در قسمتی قبل از تصویرها به صورت فهرست‌وار به زبان انگلیسی براساس شماره‌های تصاویر ذکر شده است و برای خواننده مشخص نیست که این پیکرک‌ها یا نگاره‌ها در چه برهه از تاریخ و در چه مکانی یافت شده‌اند، زیرا حتی جنس و اندازه‌شان هم با دیدن تصاویر مشخص نیست (گفتنی است که در داخل متن به بعضی از مشخصات این آثار اشاره شده است، ولیکن مخاطب به راحتی نمی‌تواند تصاویر و متن را کنار هم قرار

دهد و از اطلاعات بهره ببرد). از امتیازات این کتاب جدولی است که بعد از کتاب شناسی بخش دوم، براساس پیکرک‌های پیداشده در مناطق باستانی پیش از تاریخ ایران، به صورت خلاصه طراحی شده است و شامل ستون‌هایی چون نام محوطه، دوره، نوع پیکرک، تعداد شناخته شده، جنسیت، نقطه شکستگی، پرداخت سطح، یافت یا محل دفن، و کارکرد تقسیم‌بندی شده است که به مطالب خود بخش اشاره دارد و در نگاه کلی به خواننده کمک زیادی می‌کند و یک آمار کلی در اختیار پژوهش‌گر قرار می‌دهد. بهتر بود برای بخش اول هم جدولی، با توجه به مطالب بخش، براساس تعداد پیکرک‌های زنانه پیداشده و تغییراتی که در ساختشان وجود دارد، طراحی می‌شد. با توجه به این مورد که در بخش دوم بیش‌ترین تأکید بر محوطه‌ها و تپه‌های باستانی است، بهتر بود صفحه نقشه‌ای که بعد از پیش‌گفتار تعبیه شده است و نقاط باستانی را با تطبیق موقعیت امروزی در کشور ایران نشان می‌دهد قبل از شروع بخش دوم قرار داده می‌شد که به خوانندگان و پژوهش‌گران میان‌رشته‌ای کتاب برای آگاهی و شناسایی محوطه‌های باستانی کمک بیش‌تری می‌کرد. با قرار گرفتن در جای نامناسب، شاید اصلاً توجه مخاطب را جلب نکند. از کمبودهای بخش دوم نبودن توضیح کافی در متن برای شناسایی محوطه‌های امروزه است. البته، در متن اصلی هم به این مورد اشاره‌ای نشده است، ولی بهتر بود مترجم به صورت پاورقی در مورد جای تپه‌ها و محوطه‌ها توضیح می‌داد. همان‌گونه که واضح است، منابع این کتاب از مکتوبات انگلیسی است و چنانچه مخاطب لازم داشته باشد می‌تواند به آن‌ها مراجعه کند. وجود نمایه از دیگر مزایاست که در چند صفحه آخر کتاب تعبیه شده است و آدرس کلمات، اسامی، و اصطلاحات مهم را در اختیار خواننده قرار داده است.

از مواردی که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد توجه به آشنابودن و اشاره خود مترجم به واژه شمایل‌نگاری است که در برابر واژه «Iconography» به کار رفته است و در قسمت سخن مترجم توضیح داده که معادل این واژه در بیش‌تر فرهنگ‌ها شمایل‌نگاری است و قصد و نیت نویسنده اصلی، اورلی دیمز، را از کاربرد کلمه «Iconography» توضیح داده که شامل تصویرنگاری، تندیس‌گری، پیکرک‌سازی، و در کل هنرهای تجسمی است، ولی مصطلح‌تر این بود که مترجم در متن فارسی شمایل‌نگاری را در توصیف نقوش برجسته و نگاره‌های روی ظروف به کار می‌برد که به صورت دوبعدی‌اند و در جمله‌بندی تناقض ایجاد نمی‌شد. برای نمونه، می‌توان به اولین جملات بخش اول در قسمت نوسنگی اشاره کرد: «در طول مرحله نوسنگی ایران، زنان در دو موضوع شمایل‌نگاری به تصویر درآمده‌اند. موضوع

نخست پیکرک‌های برهنه را در بر می‌گیرد که فراوان‌ترند و موضوع دوم پیکرک‌های مادرانه را. در این جا، چون آثار سه‌بعدی‌اند بهتر بود کلماتی دیگر جای‌گزین می‌شدند.

۴. نقد محتوایی اثر

عنوان انتخاب شده برای کتاب بسیار کلی است و شامل پیکرک‌های حیوانی، پیکرک‌های نرینه و مادینه، و حتی مجسمه‌های تلفیقی چون لاموسوها و اسفنکس‌ها در دوره هخامنشی و مجسمه پادشاهان دوره‌های پیش از اسلام می‌شود. لذا، مناسب‌تر بود عنوان، باتوجه‌به تأکیدات و تمرکزهایی که شامل پیکرک‌های مادینه است، انتخاب می‌شد. چنان‌که در پشت جلد آمده است:

نویسنده کتاب، با بررسی مجموعه بزرگی از پیکرک‌ها و نگاره‌های مربوط به زنان دوره نوسنگی (حدود ده هزار سال پیش) تا پایان دوره ساسانی، کوشیده تا نقش اجتماعی زنان را در ایران پیش از اسلام بازسازی کند. تنظیم تاریخی و موضوعی مواد باستان‌شناختی و ارائه طرح‌ها و تصاویر فراوان کتاب را به منبعی سودمند برای مطالعات تطبیقی و سبک‌شناختی پیکرک‌های زنانه بدل کرده است.

اما در عنوان اصلی کتاب این مورد برداشت نمی‌شود.

باتوجه‌به این‌که مقاله اول، «The Iconography of Pre-Islamic Woman in Iran»، بیش‌ترین تمرکز را بر پیکرک‌های زنانه دارد و حتی در عنوان خود مقاله واژه «woman» آمده است و مترجم اشاره کرده که برای عنوان کتاب از ترجمه عنوان مقاله اولی که اورلی دیمز در سال ۲۰۰۱ نوشته استفاده کرده است، هم‌چنین چون کتاب مجموعه‌ای از ترجمه دو مقاله است، بهتر بود دقیقاً عنوان بخش اول که ترجمه مقاله اول است به‌کار برده نمی‌شد و این‌گونه به‌نظر می‌رسد که در انتخاب عنوان کتاب هماهنگی لازم برقرار نشده است.

مترجم، به‌عنوان گردآورنده مطالب کتاب مذکور، می‌توانست درجهت مرتب‌سازی مطالب فارسی ابتدا مقاله دوم را، که با عنوان «در باب پیکرک‌های انسانی پیش از تاریخ در ایران» ترجمه شده است و تأکید بر پیکرک‌های یافت‌شده در مناطق باستانی ادوار نوسنگی و مس‌سنگی است، در فهرست مطالب قرار می‌داد، و در بخش دوم مقاله اول را که با عنوان «تندیس‌گری و شمایل‌نگاری زنان در ایران پیش از اسلام» ترجمه شده است قرار می‌داد تا نظم و انسجام مطالب در کتاب بیش‌تر شود و از پرش ذهنی‌ای که در

مخاطب ایجاد می‌شود جلوگیری کند. هم‌چنین، یکی از موارد که این موضوع را بیش‌تر تأیید می‌کند نوشتاری است که در مقدمه بخش دوم آمده است که در آن توضیح و تعریف کاملی برای شناخت و تفاوت پیکرک‌های باقی‌مانده داده شده است و مشخصات پیکرک‌های انسانی از لحاظ وجود بصری، فرم، و ساختار بیان شده است. مترجم می‌توانست با این جابه‌جایی در بخش‌ها به آگاهی و شناخت مخاطب کمک فراوانی کند. البته، مقالات زبان اصلی با این ترتیب منتشر شده‌اند، اما از آن‌جاکه مترجم هر دو مقاله را در یک جلد کتاب تدوین کرده این آزادی عمل را داشته است که در ترتیب فصول کتابش این جابه‌جایی را انجام دهد. این تغییر کمک می‌کند مخاطب ابتدا با جزئیات و تفکرات بشر دوران پیش از تاریخ آشنا شود و با روند تکامل و دگرگونی به دانش و پیشرفت دوره‌ها در ساخت پیکرک‌های زنانه دست یابد. مطلب دیگری که مترجم به آن توجه نکرده است تبدیل تاریخ است. تاریخ پیش از اسلام شامل پیش از میلاد و سال میلادی است که در تمام تواریخ ذکر شده در کتاب بیان شده است. و در تیترا هر فصل برای بیان هر عصر از تاریخ پیش از میلاد و میلادی استفاده شده است و نظر به این مورد که عنوان با تاریخ پیش از اسلام نوشته شده است، لازم بود به این مورد، در قسمت سخن مترجم، اشاره می‌شد یا این‌که در پاورقی به صورت توضیحی می‌آمد یا در عنوان هر فصل اشاره به فاصله تا پیش از اسلام می‌شد.

۵. نتیجه‌گیری

با وارد شدن ایران به دوران نوسنگی شرایط زیست برای بشر متفاوت شد و با این تغییرات انسان شکارچی به سمت یک‌جانشینی در نقاط مختلف روان شد و با توجه به بیان خواسته‌ها، نیازها، تفکرات، و عقاید خود پیکرک‌هایی از جانوران و انسان‌ها با گونه‌های ناهم‌سان و متفاوتی از میان بقای فرهنگی انسان گذشته خلق کرد. اولین پیکرک‌ها از سفال‌هایی ساخته شدند که به صورت خام، فرمی، و بدوی باقی مانده‌اند که به صورت حجمی از گل‌اند و شاید بر یک تندیس انسانی یا حیوانی اشاره دارند. به تدریج، با توجه به پیشرفت و فرایند حیات، پیکرک‌ها به سمت واقع‌گرایی با مواد و مصالح تولید متفاوت دگرگون شدند. از بین این پیکرک‌های به‌جامانده بیش‌ترین تعداد مشمول پیکرک‌های انسانی مادینه‌اند که از دوره نوسنگی تا قبل از اسلام از حالت بدوی به طبیعت‌گرایی تغییر پیدا کرده‌اند و در هر دوره‌ای، با توجه به پیشرفت خواسته‌ها، افکار، و مذهب بشر نوع پوشش، اندام، آرایش مو، و

زیورآلات و جزئیات لباس و تأکیدات و اغراق‌ها در ساخت متفاوت است. می‌توان گفت تا آخر عصر مفرغ، مادینگی و مادرسالاری از امتیاز و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و با ورود به عصر آهن نرینگی رایج شده است. در دوره‌های تاریخی هخامنشی، اشکانی، و ساسانی هم با مجسمه‌های شاهان و ملکه‌ها و سربازان هم روبه‌رو می‌شویم. باتوجه‌به جایگاه و نقش زن در تاریخ باستانی ایران، می‌توان کتاب *تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام* را منبعی مفید برای رشته باستان‌شناسی و پژوهش‌گران هنر و میان‌رشته‌ای دانست، اما باید به این نکته هم اشاره کرد که این کتاب شامل ترجمه دو مقاله از اورلی دیمز است و بیش‌ترین تمرکز و تأکید را بر پیکرک‌های زنان در تاریخ ایران باستان دارد. عنوان انتخاب‌شده روی جلد بسیار کلی است و مخاطب می‌تواند برداشتی از پیکرک‌های نرینه، مادینه، جانوری، و اساطیری داشته باشد و با مطالعه مطالب فقط اطلاعاتی جامع دریاب پیکرک‌های زنان کسب می‌کند. درخصوص بخش دوم کتاب، که ترجمه مقاله‌ای است با مواردی جامع که پایه و اساس بخش اول کتاب است، باید گفت که بهتر بود اولویت بخش‌ها تغییر پیدا می‌کرد، هرچند نویسنده اصلی، اورلی دیمز، مقالات را با همان ترتیبی که در کتاب تدوین و چاپ شده است ارائه داده است. مقالات مورد استفاده در نشریه به چاپ رسیده‌اند و مترجم این آزادی عمل را داشته است که جابه‌جایی در اولویت‌بندی آن‌ها در کتاب انجام دهد که مطالب انسجام و پیوستگی بیش‌تری داشته باشند. مؤلفه‌های جامعیت صوری چون پیش‌گفتار، مقدمه، فهرست مطالب، نتیجه‌گیری، فهرست منابع، و نمایه، و قطع مناسب از نقاط قوت این کتاب است و کیفیت نامطلوب تصاویر و قراردادن در محل نامناسبشان و نداشتن توضیحات شناس‌نامه‌ای در زیر تصویرها از ضعف‌های مهم کتاب است. در یک جمع‌بندی کلی، نقطه ضعف اصلی کتاب را می‌توان انسجام‌نداشتن و مشخص نبودن تأکید محتوای مطالب کتاب در عنوان آن برشمرد.

کتاب‌نامه

- پرادا، ایدت (۱۳۵۷)، *هنر ایران باستان؛ تمدن‌های پیش از تاریخ*، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتور اپهام و فیلیس اکرم (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران؛ از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، ترجمه نجف دریابندری، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- جام تیر، امین، علی اصغر شیرازی، و عباس اکبری (۱۳۸۹)، «ویژگی‌های سفالینه‌های پیکره‌ای در ایران پیش از تاریخ»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *نگره*، ش ۱۵.

نقدی بر کتاب تندیس‌گری ... (علی‌رضا طاهری و سمیرا نصرافنهایی) ۲۲۵

خانی، شهین (۱۳۸۰)، «پیکره‌های آیینی مؤنث در فلات ایران»، فصل‌نامه هنر، ش ۴۸. دیمز، اورلی (۱۳۸۸)، *تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام*، ترجمه علی‌اکبر وحدتی، تهران: ماهی.

شیرازی، روح‌الله، صدرالدین طاهری، و زهره سلطان‌مرادی (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی نخستین پیکرک‌های انسانی در داسه باروری (لوانت، میان‌رودان، آناتولی، غرب ایران)»، *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات تطبیقی هنر*، س ۴، ش ۸.

طاهری، صدرالدین و محمود طاووسی (۱۳۸۹)، «تندیس‌های ایزدبانوان باروری ایران»، *مجله علمی - پژوهشی مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ش ۲۴.

گامبریچ، ارنست (۱۳۷۹)، *تاریخ هنر*، ترجمه علی رامین، تهران: نی.

گشایش، فرهاد (۱۳۸۸)، *تاریخ هنر ایران و جهان*، تهران: مارلیک.

مرتضوی، مهدی و ساره سلیمانی (۱۳۹۰)، «پژوهشی بر ماهیت و کارکرد پیکرک‌های مؤنث عصر نوسنگی (مطالعه موردی غرب ایران)»، *مجله مطالعات ایرانی*، س ۱۰، ش ۲۰.

یانگ، کایلر و دیگران (۱۳۸۹)، *ایران باستان (پیشاتاریخ، عیلامیان، هخامنشیان، سلوکیان، پارتیان، ساسانیان)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.

Hansen, Donald (1970), "A Proto-Elamite Silver Figurine in the Metropolitan Museum of Art", *Journal of Metropolitan Museum*, vol. 3.

